



آسیب شناسی دروغ از دیدگاه مکتب اسلام

زینب السادات اطهری

استادیار دانشگاه کاشان zathari@kashanu.ac.ir

لیلا دهقان کاشانی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کاشان ، layladehghankashani@gmail.com

دانیال سربندی ونی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کاشان ، danial_0112_9@yahoo.com

چکیده

یکی از مهمترین مصائب و بیماری های مهمی که از ابتدای خلقت تا کنون بشر گریبانگیر او بوده ، معضل مهم و نابود کننده دروغ است. در واقع دروغ در تمام ادوار و اعصار یک آفت اجتماعی است که باعث ایجاد بسیاری از پستیها و بدیها می گردد ، دروغ گویی مانند سایر بیماری های روانی و عاطفی، ابتدا از یک مساله ساده کوچک آغاز می شود و چنان چه به موقع درمان نشود، به یک بیماری روحی تبدیل می شود که مشکلات بسیاری را برای فرد مبتلا و دیگران فراهم می سازد . دروغ در تمام اعمال ظاهری و باطنی آدمی راه دارد، لذا عامل اصلی فسادهای دیگر است، به طوری که شاید بتوان گفت کلید ورود به سایر فسادهاست . به همین منظور در این مقاله با استناد به کلام خدا و فرمایشات گهر بار نبوی و فرموده بزرگان و علمای دین و اخلاق، به توضیح مفهوم دروغ، علل ، عوامل و ریشه های دروغگویی ، آثار و عواقب دنیوی و اخروی آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان و طریقه رهایی از آن پرداخته می شود.

کلید واژه ها: دروغ - کذب - دروغگو - رذیله اخلاقی



مقدمه

دروغ، گناهی است بزرگ و کلید گناهان می‌باشد و از نظر ارتکاب، آسان‌ترین گناه است و همه کس در خطر آن، قرار دارد. بسیاری از گناهان را هر کسی نمی‌تواند مرتکب شود، ارتکابش شرایطی لازم دارد، ولی دروغ را ناتوان‌ترین اشخاص و بی‌شعورترین آن‌ها در بیش‌تر اوضاع و احوال می‌تواند مرتکب گردد؛ از این رو شایستگی دارد که بیش از گناهان دیگر، مورد بحث قرار گیرد، چون خطر ارتکابش بیش از گناهان دیگر می‌باشد. (صدر، 1378)

دروغ از بدترین معایب، زشت‌ترین گناهان و منشا بسیاری از مفاسد است تا آنجا که یکی از گناهان کبیره به شمار می‌رود و از رذایل اخلاقی محسوب می‌شود. و قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) آن را به شدت مورد مذمت و نکوهش قرار داده‌اند. دروغ ریشه و سرچشمه سایر گناهان بوده، اگر همه گناهان در یک فضا موجود باشد، کلید مورد نیاز برای ورود به این فضا دروغ است، در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی محروم می‌نماید، و در میان مردم بی‌اعتبار می‌کند، اعتماد عمومی را سلب می‌نماید و جامعه را به نفاق دچار می‌کند.

در آیات قرآن که سرشار از معارفی است که آدمی را در حرکت به سمت کمال مطلق راهنمایی می‌نماید در خصوص دروغ (کذب) به طور وسیع سخن گفته است و در شاخه‌های مختلف آن از جمله: عوامل دروغ‌گویی، آثار دروغ‌گویی و عاقبت دروغ‌گویان اشاره شده است و همچنین در روایات معصومین (ع) نیز دروغ به شدت نکوهش شده است و سرانجام دروغ‌گویان را با ویرانی ایمانشان می‌دانند. اسلام بیش از دیگر ادیان دروغ را زشت و ناپسند می‌شمارد و دروغ‌گویان و خیانت‌کاران را مورد ملامت قرار می‌دهد، صداقت را زیبا و پسندیده می‌داند و صادقان و درستکاران را مورد تعریف و تحسین قرار می‌دهد. اسلام صداقت و درستکاری را در کنار تقوا و پرهیزکاری قرار داده و از نظر آن هر کس صداقت را از دست بدهد، با تقوا و پرهیزکاری نیز بیگانه می‌شود.

از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان به «دروغ و دروغ‌گویی از نگاه قرآن» (شریفیان، 1386) «بررسی عوامل موثر بر دروغ‌گویی» (سیلانیان طوسی، 1379) «چیستی دروغ» (اترک، 1388) «سیری بر آموزه‌های قرآن بر کذب و دروغ» (خان بیگی، 1390) «جواز دروغ از منظر روایات» (شریف عسگری، 1390) «دروغ و آثار دروغ‌گویی» (معتمد لنگرودی، 1389) «دروغ در قرآن و سنت، علل و عوامل آن، آثار و پیامدهای آن» (موسی پورفرخانی، 1391) و «معنای دروغ مصلحت‌آمیز» (اترک، 1392) اشاره نمود. هدف اصلی این پژوهش بررسی دروغ، تاثیر و پیامدهای آن بر زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و روانی انسان از دیدگاه مکتب اسلام است. مساله این است که دروغ از مباحث عمده تربیتی بوده و بر تمام ابعاد زندگی بشری تاثیر گذاشته، لذا لازم است که مورد توجه قرار گیرد و پیامدها و آثار ناشی از آن بررسی و راهکارهای لازم اندیشیده شود. بنابراین سوالات اساسی که مطرح می‌شود این است که:

- 1) مفهوم دروغ و ملاک شناخت آن چیست؟
- 2) علل، عوامل و ریشه‌های دروغ‌گویی کدام است؟
- 3) آثار و پیامدهای فردی، روحی و روانی، اجتماعی و اقتصادی دروغ‌گویی چیست و چگونه می‌توان آن را درمان کرد؟

روش پژوهش

نوع مقاله، پژوهش مروری - نظری است و با توجه به ماهیت و کیفیت آن از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. به منظور گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای به کار گرفته شده و با استناد به کلام خدا و فرمایشات گهر بار نبوی و فرموده بزرگان و علمای دین و اخلاق، به توضیح مفهوم دروغ، عوامل و ریشه‌های دروغ‌گویی، آثار و عواقب دنیوی و اخروی آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان و طریقه‌هایی از آن پرداخته می‌شود.

معنای لغوی دروغ

دروغ: سخن ناراست. قول ناحق مقابل راست. مثل آه دروغ - وعده دروغ. (دهخدا، 1361: 509)
 دروغ: سخن ناراست. گفتاری که حقیقت نداشته باشد. ضراست. (عمید، 1360: 939)
 دروغ: گفتن قول ناحق. کذب. (معین، 1353: 1517)
 دروغ: 1 - سخنی که بر مبنای حقیقت و راستی نباشد. 2 - سخنی نادرست که به قصد فریب دیگران گفته می‌شود. (انوری، 1381: 3095)



دروغ : 1- سخن نادرستی که به قصد فریب یا گمراه ساختن گفته می شود. (برای اینکه تنبیه نشود دروغ گفت) .
2- سخن ناراست که ممکن است گوینده چگونگی آن را بداند یا نه (خبردروغ). (صدری افشار، 1383 : 588)
دروغ عبارتست از یک عمل روانی - اجتماعی مانند تلفظ شفاهی یا غیر شفاهی که با آن فرد سعی می کند به طور کم و بیش عمدی ، ایمان نامشابه به آنچه که سازنده ی آن به حقیقتش مومن است در ذهن دیگران وارد کند . (فرقانی ، 1372)
کذب بر وزن وزر و کتف به معنی دروغ گفتن می باشد. صحاح و قاموس و اقرب و ... هر دو وزن را مصدر گفته اند ولی استعمال قرآن نشان میدهد که کذب بر وزن «وزر» مصدر است.(سید علی اکبر قرشی، ۱۳۶۱)
کذب بر وزن «کتف» اسم مصدر است به معنی دروغ مثل «يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ»^۱ چون کذب مفعول به «یفترون» است لذا اسم است نه مصدر یعنی بر خدا دروغ می بندند.
تکذیب آن است که دیگری را به دروغ نسبت دهی و بگویی دروغ می گوید.
«كذَّابٌ» مبالغه است یعنی بسیار دروغگو «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»^۲ .
«كاذبه» مصدر است مثل عاقبه ، عافیه و باقیه «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ»^۳
کذب در لغت به معنای عدم مطابقت است و همانگونه که سخن به دروغ متصّف می شود اعتقاد و عمل هم به آن متصّف می گردد. گمان و اعتقاد مخالف با واقع دروغ است ، همانگونه که عمل مخالف با سخن و وعده نیز دروغ است.(مشکینی ، 1381)

مفهوم دروغ

با وجود اینکه واژه دروغ از واژه هایی است که معنی و مفهوم آن معروف نزد همگان است ولی در عین حال در میان دانشمندان در مورد مفهوم آن مباحثات زیادی است، بعضی دروغگویی را به معنی عدم مطابقت محتوای سخن با واقعیت ذکر کرده اند، در حالی که برخی آن را عدم مطابقت با تشخیص و اعتقاد گوینده می دانند. به تعبیری، دروغ بیان سخن و مطلبی است که مطابق با واقع و حقیقت نیست، بین آنچه که توسط فرد بیان می شود و آنچه را که در جهان خارج وجود دارد. (خان بیگی ، 1390)
در سنت اسلامی تقریباً تعریف واحدی از دروغ وجود دارد که بین اهل لغت، فقها و علمای اخلاق مشهور است. دروغ یعنی «اخبار از چیزی به خلاف آنچه در واقع است» یا به طور خلاصه «خبر خلاف واقع» (یحیی بن عدی: 19؛ الطریحی: 25؛ طبرسی: 27). بر اساس این تعریف، صدق و کذب، وصف خبر است؛ البته برخی چون تفتازانی صدق و کذب را به حکم در خبر نسبت داده اند و معتقدند صدق و کذب اولاً بالذات به حکم تعلق دارد و ثانیاً بالعرض به خبر از آن حیث که خبر مشتمل بر حکم است و از موضوع، محمول، نسبت حکمی و حکم تشکیل شده است.(تفتازانی، 1377: 38)
اما در سنت غربی تعریف واحدی که مورد توافق عامه باشد وجود ندارد. آکوئیناس آن را «خبر مخالف با ذهن» تعریف می کند (Slater, p.1). کانت آن را «به زبان چیزی گفتن و در دل چیزی دیگر داشتن» (کانت: 93) می داند که مشابه تعریف آگوستین است. تعریفی که طرفداران بیشتری دارد و کامل تر از بقیه می باشد این است: «دروغ یعنی دادن خبری - که متکلم باور به نادرستی اش دارد - به شخص دیگر با این قصد که او باور کند آن خبر درست است.» (Mahon, p.3)
راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» بر این باور است که اصل کذب و دروغ در گفتار است. تفاوتی در دروغ از این لحاظ نیست که در گذشته اتفاق افتاده باشد یا در آینده؛ چنان که تفاوتی از این جهت وجود ندارد که دروغ نسبت به وعده ای باشد که انجام نمی شود و یا امر دیگری باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۴۷۸)

سه دیدگاه در مورد دروغ

از نظر اسلامی (1382) سه دیدگاه در مورد دروغ وجود دارد :
دروغ ، گزارش خلاف واقع است و جهل و علم در آن نقشی ندارد .
دروغ گزارش خلاف واقع است ، با علم به خلاف واقع بودن آن
دروغ گزارش خلاف اعتقاد است ، چه مطابق واقع باشد و چه مخالف آن

¹ - نساء/ ۵۰ و مائده/ ۱۰۳ و یونس/ ۶۰ و ۶۹ و نحل/ ۱۱۶

² - غافر/ ۲۸

³ - واقعه/ ۱/ ۲



دیدگاه سوم قابل دفاع تر از دیگر دیدگاه هاست . علاوه بر عنصر عدم مطابقت با اعتقاد ، باید عنصر دیگری در تعریف دروغ گنجانده شود . این عنصر ، قصد فریفتن و نیت گمراه گری است که در هر نوع دروغی یافت می شود . بنابراین می توان دروغ را گفتار (یا نوشتار) خلاف باور گوینده دانست که با قصد فریفتن دیگری بیان می شود .

ملاک شناخت دروغ

قرآن ملاک و معیار تشخیص دروغ از راست را این دانسته است که شخص هرگاه مخالف اعتقاد و باور خویش سخنی را به میان آورد، در حقیقت دروغ گفته است، حتی اگر در سخن وی سخن حقی باشد ولی چون با باورهای وی نامتناسب است و تطابقی میان سخن و باورش نیست آن سخن دروغ دانسته می شود.

«إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ»

چون منافقان نزد تو آیند گویند: «گواهی می دهیم که تو واقعاً پیامبر خدایی.» و خدا [هم] می داند که تو واقعاً پیامبر او هستی ، و خدا گواهی می دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند.¹

بنابراین ممکن است شخصی سخنی را بگوید که نادرست و ناحق باشد ولی چون باور وی آن است که آن چه می گوید راست است نمی توان وی را متهم به دروغ گویی کرد. برعکس اگر شخصی باوری داشته باشد و برخلاف باور خویش سخن حقی را بگوید، او دروغگو است؛ زیرا وی برخلاف باور خویش و به قصد دروغ سخن حقی را به زبان آورده است. بنابراین ملاک و معیار سخن راست از سخن دروغ باورهای شخص و سخنان وی است. از این رو تطابق سخن با حق و یا واقع، ملاک سنجش نیست بلکه مطابقت باورهای شخص با سخنی است که به زبان می راند. (شریفیان، 1381)

علل و عوامل دروغگویی

دروغگویی نوعی ناهنجاری است . شناخت علل و انگیزه دروغگویی در برخورد با آن بسیار مهم است باید دید فرد به خاطر ترس است یا به علت جلب توجه دروغ گفته است ، لذا باید به علل و عوامل آن توجه کرد . (اکبری ، 1390)

قرآن عوامل چندی را به عنوان عامل دروغگویی معرفی می کند. ولی منشأ اصلی دروغ را شیطان و ابلیس می داند و به انسان هشدار می دهد که شیطان به عنوان بنیانگذار دروغ و کسی که از این طریق کوشید تا به اهداف پست خود دست یابد، موجودی است که انسان را تشویق به دروغ می کند قرآن گزارش می کند که ابلیس برای دست یابی به اهداف خویش و خوار و گمراه کردن انسان به دروغ متوسل می شود و نخستین موجودی است که از آن برای دست یابی به اهداف شوم خود سود می برد. به نظر می رسد که ابلیس بدون دروغ نمی توانست آدم را گمراه کند و لذا برای گمراه کردن وی از سوگند دروغ بهره برد.

قرآن به انسان هشدار می دهد که شیاطین و یاران ابلیس الهام کنندگان دروغ بر دروغگویان هستند و آنان هستند که به این ناهنجاری دامن می زنند.

«هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ..آیا به شما خبر بدهم شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟!»

«تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ..آنها بر هر دروغگوی گنهگار نازل می گردند»²

به طور کلی می توان گفت علاوه بر آنچه ذکر شد عوامل و انگیزه های زیادی دیگری موجب دروغ گفتن می شود که به پاره ای از آنها فهرست وار اشاره می شود:

الف) دفاع از خویش در برابر مهاجم نیرومند .

ب) سرپوش گذاشتن بر عدم اعتماد به نفس .

ج) راه حل کوتاه مدت.

د) همرنگی با جماعت.

ه) نرنجاندن دوستان بر اثر راست گویی .

و) انتقام گرفتن.

ز) دلخوشی دادن به دیگران.

1 - منافقون / 1

2 - شعراء / 221 و 222



ح) رعایت حال و مصلحت زبردستان و نزدیکان.

ط) جهت دادن به روند دلخواه.

ی) منحرف ساختن دیگران.

شاید بتوان گفت که در انواع دروغ ها یک علت مشترک است و آن «ضعف» انسان ها است. این ضعف در مراحل مختلف خود را نشان می دهد، پزشکی که به بیمار خود دروغ می گوید، احساس می کند که بیمارش ضعیف است و تاب شنیدن واقعیت تلخ را ندارد. گاه نیز انسان توان حقیقت گویی را ندارد و با دروغ بر ضعف های خود پرده می کشد. به هر حال عدم شجاعت در ابراز اندیشه موجب می شود، وی هراس از مواجهه با حریف داشته باشد، در نتیجه به دروغ متوسل می شود.

رسول خدا (ص) می فرماید: «لا یکذب الکاذب إلا من مهانته نفسه» «دروغ گو دروغ نمی گوید، جز بر اثر حقارت نفسش»^۱ حتی در همه دروغ های به ظاهر مجاز نیز، این ضعف و درماندگی دیده می شود. گاه انسان ناگزیر است که به دلائل نوع دوستانه دروغ بگوید، اما در این موارد نیز همان علت اساسی موجود است و نباید پنداشت که انگیزه درست و انسانی، علت اصلی دروغ را از میان می برد.

البته درباره ضعف انسان نمی توان دآوری نمود. زیرا انسان هرچند نیرومند باشد، از این ضعف ها پیراسته نیست. ممکن است کسی خود را از درجاتی از این گونه ضعف ها بپیراید، لیکن در نهایت انسان تا زمانی که انسان است، ضعیف است، لذا خداوند متعال می فرماید: «خلق الانسان ضعيفاً» «انسان ناتوان آفریده شده است»^۲ (خان بیگی، 1390)

از نظر وجدانی، (1370)؛ منشا دروغ گویی ضعف درونی و خواری باطنی است. دروغ گویان در ضمیر خود اسیر یک نوع ذلت و ناامنی روحی هستند و بر اثر ترس، عجز، نگرانی، زبونی، حقارت، حرص، طمع و دیگر عواملی نظایر اینها به بیماری دروغ مبتلا می شوند.

ریشه های دروغ در بزرگسالی

آیت اله مکارم شیرازی (1378) موارد زیر را از علل روانی دروغ در بزرگسالان برمی شمرد:

ترس از فقر

گاهی انسان به خاطر ترس از فقر، پراکنده شدن مردم از او و از دست دادن جایگاه و مقام دروغ می گوید.

حب جاه و مقام

زمانی از روی علاقه شدید به مال و جاه و مقام و دیگر شهوت ها زبان به دروغ می گشاید و از این وسیله نامشروع برای تأمین هدف خود کمک می گیرد.

غلبه هوای نفس

گاهی تعصب های شدید و حب و بغض های بیش از اندازه و غیر الهی سبب می شود انسان به نفع فرد دلخواهش یا به زیان کسی که از او نفرت و کینه دارد، برخلاف واقع سخن بگوید.

فخر فروشی

زمانی برای آنکه خود را بیش از آنچه هست نشان دهد و اظهار دانش و آگاهی بسیار کند، در مسائل مختلف علمی و تاریخی دروغ می گوید.

ضعف ایمان و کمبود عزت نفس

همه این عوامل که زمینه ساز صفت دروغ در آدمی هستند، از شخصیت ناسالم و ناتوانی روح و ضعف ایمان و کمبود عزت نفس ناشی می شوند. کسانی که خود را باور ندارند و روحشان ناتوان و زبون است، برای رسیدن به هدف های خود و فرار از زیان های احتمالی راستگویی به دروغ و دورویی و خیانت پناه می برند. در مقابل، افراد توانا و آراسته به شخصیتی محکم و مطمئن، به خود و توانایی شان ایمان دارند و پیروزی و نیکبختی خود را در آنها می جویند.

همچنین کسانی که به قدرت لایزال الهی ایمان دارند و سرچشمه همه برکت ها و کامیابی ها را در گرو اراده نافذ او می دانند، قدرت او را برتر از همه قدرت ها و حمایت او را بالاترین حمایت ها شناخته اند و دلیلی نمی بینند که برای رسیدن به سود یا دفع زیان، دروغ پردازی کنند.

غفلت از زیان های دروغ

^۱ - محدث نوری، 1407 ق ج 9، صص 84-85

^۲ - النساء/28



گاهی نیز به سبب توجه نکردن به زبان‌های دروغ و از یاد بردن اهمیت راستگویی یا آلودگی محیط خانوادگی یا محیط اجتماعی و معاشران، این ویژگی ناپسند در انسان ریشه می‌دواند.

کمبود شخصیت

عامل مهم دیگر برای دروغگویی، احساس کمبود شخصیت و عقده خودکم‌بینی است. کسانی که به چنین عقده‌ای گرفتارند، می‌کوشند با انواع دروغ‌ها و گراف‌ها، خودکم‌بینی‌ای را که در خود احساس می‌کنند، جبران سازند. (مکارم شیرازی، 1378: 95 - 93) مومنی (1385) در روزنامه کیهان موارد زیر را به عنوان علل گرایش به دروغگویی مطرح می‌کند:

تعلیم و تربیت غلط

همه انسانها در بدو تولد با فطرتی سلیم و علاقمند و متمایل به نیکی‌ها و زیبایی‌ها، پا به دنیا می‌نهند. فطرتی پاک که از هرگونه دورنگی و پلیدی بیزار است و به صداقت و درستی عشق می‌ورزد. ولی با کمال تأسف قرار گرفتن در محیط‌های ناسالم و خانواده‌های بی‌فرهنگ یا کم‌فرهنگ و عاری از ارزشهای الهی و انسانی، از همین موجود پاک و فطرت آماده برای طی طریق کمال، انسانهایی می‌سازد که قدم در مسیر شیطان نهاده و طوق بندگی اهریمن را بر گردن می‌نهند. از جمله رفتارهای ناپه‌نجان که انسان در اثر تربیت غلط از مربیان نابلد و بداخلاق خویش می‌آموزد، همانا «دروغگویی» است. در خانواده‌ای که پدر و مادر رفتاری صادقانه ندارند و با بهانه و بی‌بهانه دروغ می‌گویند و فرزند، شاهد این رفتار ناصحیح است بطور مسلم نمی‌توان انتظار داشت که فرزندان صداقت را یاد گرفته و طعم شیرین راستگویی را بچشند.

خودنمائی و غرور

از دیگر عوامل مهم در دروغ گفتن حس خودنمائی و غرور است. آدمی بالفطره دوست دارد که مورد توجه دیگران قرار گیرد، ولی هنگامی که در جلب توجه دیگران از راه‌های درست و بوسیله اعمال پسندیده ناکام می‌ماند، مسیری را طی می‌کند که درست برخلاف میل فطری اوست، «دروغ» یکی از آنهاست

نارسایی قوانین و عدم اجرای صحیح آن‌ها

«نارسایی قوانین» و «عدم اجرای صحیح و درست آنها»، خود عاملی است برای ترویج دروغ در جامعه آنها در اشکال گوناگون آن، گاه به صورت دروغ‌های نوشتاری و مکتوب، گاه به صورت دروغ‌های شفاهی و گفتاری و گاه نیز به صورت دروغ‌های رفتاری، که همه اینها نتیجه‌ای جز ترویج دروغ در جامعه و شایع شدن این رفتار زشت ندارند.

تشویق‌های غلط و تکریم‌های نابجا

یکی از علل دروغگویی و ابتلا به آن، تشویق‌های غلط و نابجا و نیز تحویل گرفتن و تکریم دروغگو در جامعه است. کودکی که به علت شیرین‌زبانی دوران خردسالی، مطلب خلاف واقعی را با لحنی کودکانه می‌گوید و پدر و مادر با خنده‌های خود او را تحویل می‌گیرند و چه بسا جایزه هم بدو می‌دهند، در واقع یاد می‌گیرد که میتوان با خلاف واقع سخن گفتن، توجه دیگران را به خود جلب کرد و همین زمینه‌ای است برای عادت کردن او به دروغ. فردی که با توسل به انواع و اقسام دروغ‌های کوچک و بزرگ در امر تجارت موفقیت‌هایی را بدست می‌آورد و اطرافیان او، این امر را به حساب زنگی و زیرکی او می‌گذارند، نه تنها از عمل خود شرمگین نمی‌شود بلکه به دیگران می‌آموزد که برای رسیدن به توفیقات تجاری و مالی راهی جز دروغگویی و امثال این وقایع در اطراف ما فراوان است و برآستی اگر کمی فکر کنیم درخواهیم یافت که گلابه ما از ترویج دروغگویی و وفور دروغ در جامعه امری نابجاست چرا که ما خود عاملی بوده ایم برای دروغگویی دروغگویان و از قدیم گفته اند: خود کرده را تدبیر نیست. (مومنی، 1385)

پیامدهای دروغ در آموزه‌های قرآن

با نگاهی به آثار و کارکردهای زبانبار دروغ در آموزه‌های قرآنی، می‌توان زشتی این رفتار را درک کرد. خداوند در آیاتی چند به آثار و پیامدهای دروغ در زندگی دنیوی و اخروی اشاره می‌کند تا این‌گونه با نشان دادن زشتی آثار و پیامدها، مردم را نسبت به دروغ حساس نماید تا خود در اندیشه راستی باشند و از دروغ بی‌زاری جویند. از جمله آثاری که قرآن برای دروغ بر می‌شمارد، محرومیت از هدایت الهی (زمر، آیه 3 و نیز غافر، آیه 28) است که نتیجه طبیعی چنین محرومیتی، محرومیت انسان از رستگاری است. (یونس، آیه 69 و نیز نحل، آیه 116) از نظر خداوند کسی که گرفتار بیماری دروغگویی شود، از درک و تحلیل آیات الهی ناتوان می‌گردد. (جاثیه، آیات 7 و 8) و در یک فرآیند به سبب عدم درک درست واقعیت‌ها و حقایق و تحلیل راستین آن‌ها، گرفتار نفاق در عمل می‌شود. (توبه، آیه 77) پس



برخلاف آن چه می گوید عمل می کند و برخلاف آن چه باور دارد رفتار می نماید. چنین شخصی هر چند که به نظر می رسد دیگری را فریب می دهد ولی در حقیقت به خود نیرنگ می زند. از این رو خداوند شخص دروغگو را زیانکار اصلی می داند که آثار دروغگویی اش به خود وی بازمی گردد پیش از آن که به دیگری آسیب و زبانی برساند. (غافر، آیه 28) دروغگویی موجب می شود تا مردم اعتمادشان را به شخص دروغگو از دست دهند و حتی سخنان راستش را هم باور نکنند و همراهی و همدلی مردم را از دست بدهد. این گونه است که در دنیا و آخرت در پیشگاه مردم و خدا، سیاه رو می شود. (زمر آیه 60) خداوند، سرچشمه بسیاری از امور زشت و ناهنجار دیگر چون بدعت در دین (نحل، آیه 116)، افترا و تهمت، بیماری (بقره، آیات 8 و 10) ظلم و ستم (آل عمران، آیه 94 و انعام، آیه 21 و 93) را در دروغگویی می داند. از نظر قرآن، دروغ را کسانی می سازند و می بافند که ایمان ندارند. (نحل، آیه 105) بنابراین، یکی از نشانه های ایمان، راستگویی و صدق است که در مقابل، نشانه بی ایمانی هم دروغگویی است. (نظری، 1388)

پیامدهای ظاهری دروغ:

تا زمانی که دروغگویی به صورت عادت در نیامده باشد و جز شخصیت ثابت فرد نشده باشد معمولاً با نشانه هایی توأم است. این قبیل نشانه ها عبارتند از: پریدگی رنگ، واکنش های عضلانی، ناراحتی های تنفسی، برافروختگی و سرخ شدن صورت، هیجان زیاد، ضربان قلب، لکنت زبان، دست پاچه شدن، رفتارهای تصنعی، خودنمایی، خودفریبی، تناقض گویی و فراموشی است اما در صورتی که دروغگویی استمرار یابد و جز شخصیت فرد درآید فرد بر واکنش های خود مسلط گردیده و از بروز علائم ظاهری جلوگیری می کند تا جایی که فرد بدون بروز هیچ گونه علائم و نشانه هایی به دروغگویی می پردازد. (اکبری، 1390)

آثار فردی دروغ:

محروم شدن از نماز شب

دروغگو از برکات بزرگ نماز شب محروم می ماند از جمله سعه رزق. کما اینکه امام جعفر صادق (ع) می فرمایند: «گاه انسان دروغی می گوید و از نماز شب محروم می شود، و هنگامی که از نماز شب محروم می شود از روزی (وسیع) محروم می گردد.»¹

روسیاه شدن

پیامبر اسلام (ص) به حضرت علی (ع) سفارش می کند: «ای علی! از دروغ بپرهیز زیرا که موجب سیاهی صورت می شود و سپس انسان در نزد خدا دروغگو شمرده می شود.»²

بی آبرویی و رسوایی

در سوره بقره آیه 72 به این نکته اشاره شده: «والله مخرج ما کنتم تکتُمون». هر جز از نظام هستی با اجزاء دیگر و لوازمش مرتبط هستند دروغگو اگر چیزی را پنهان کند لوازمش را چه کند لذا زود رسوا می شود بر فرض گرگ یوسف (ع) را درید پیراهنش چرا سالم است؟ به خاطر همین است که قرآن می فرماید: «ان الله لا یهدی من هو کاذب کفار» (سوره زمر، آیه 3) «ان الله لا یهدی من هو مسرف کذاب» (سوره غافر، آیه 28) و خداوند کاذبان و دروغگویان را هدایت نمی کند و اسباب بی آبرویی شان را فراهم می کند.

فرشتگان و ملائکه از انسان دور می شوند

بوی گند دروغگو تا عرش می رسد و شخص دروغگو به واسطه دروغ بوی دهانش در قیامت گندیده است. و خداوند و ملائکه دروغگو را لعنت می کنند. در حدیثی از امام رضا (ع) آمده است که می فرمایند: «هنگامی که انسان دروغی می گوید فرشته از او دور می شود به اندازه یک میل به خاطر بوی بدی که از او بر می خیزد.»³

رسول اکرم (ص) می فرماید: «هرگاه مؤمنی بدون عذر (شرعی) دروغ گوید هفتاد هزار فرشته بر او لعنت می کنند، و از دلش تعفن برآید تا به عرش رسد، و حاملان عرش وی را لعنت کنند و خداوند برای آن دروغ هفتاد زنا بر او نویسد.»⁴

1 - نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۳۵۷

2 - بحار الانوار جلد 77 صفحه 69

3 - شرح غرر الحکم، ج 1، ص 310

4 - جامع الاخبار، باب 12 فصل 7



باعث عدم قبولی بعضی از عبادات

دروغ گفتن باعث عدم قبولی بعضی از عبادات می شود همان گونه که درباره روزه داران آمده است. در حدیثی از امام صادق(ع) است که می فرمایند: «هنگامی که روزه می گیرید زبان را از دروغ حفظ کنید، و چشمان خود را (از نگاه آلوده) فرو گیرید.»^۱ در واقع حدیث حاکی از آن است که این گونه اعمال از ارزش روزه می کاهد.

سلب توفیق از رسیدن به برخی مقام ها و انجام برخی اعمال صالح.

قران کذب را یکی از گناهان کبیره شمرده است و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» قطعاً خدا کسی را که افراط کار و بسیار دروغگو را هدایت نمی کند (غافر/28)

حضرت رسول (ص) فرمود: «الكذاب لا يكون صديقا و لا شهيدا.»^۲ دروغگو، نه در زمره صدیقان درآید و نه در زمره شهیدان.

برکات الهی از انسان قطع میگرد

دروغ گفتن همچنین سبب می شود که برکات الهی از انسان قطع گردد چنانکه در حدیثی از امام رضا(علیه السلام) آمده است که می فرماید: «هنگامی که زمامداران دروغ بگویند باران قطع می شود»^۳

دروغ با ایمان سازگار نیست.

از آنجا که ایمان بر صدق، راستی استوار است، دروغ با آن سازگار نیست و نمی توان این دو را کنار یکدیگر نگه داشت. لذا اولین شرط ایمان وا گذاشتن دروغ و پرهیز از آن است، از این رو پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «از دروغ پرهیزید که دروغ با ایمان ناسازگار است.»^۴

موجب ضعف ایمان و اعتقاد می شود

دیگر اثر فردی دروغ این است که موجب ضعف ایمان و اعتقاد می شود چرا که اگر دروغگو به علم و قدرت خداوند وعده های او اعتماد کافی داشته باشد هرگز برای رسیدن به اموال دنیا با تحصیل و جاه و مقام، دروغ نمی گوید و موفقیت خود را در دروغگویی نمی بیند. از فقر نمی ترسد، از پراکنده شدن مردم و بر باد رفتن نفوذ اجتماعی خود هراس ندارد و مقام و قدرت را از سوی خدا می داند و برای حفظ آن به دروغ متوسل نمی شود کما اینکه در حدیثی از امام محمد باقر(علیه السلام) آمده است که می فرماید: «از دروغ کناره گیری کنید، چرا که دروغ از ایمان جدا است.»^۵ (معتمد لنگرودی، 1389: 8-9)

دروغ ایمان را از بین می برد.

چون افرادی که دروغ دیگران را می پذیرند به گمراهی کشیده می شوند لذا نوعی اختلال در گرایشات فکری، اعتقادی در افراد به وجود می آید که باعث تباهی و سستی عقاید می شود که بی شباهت به مکر و فریب نیست. در این باره امام محمد باقر (ع) می فرماید: «دروغ خراب کننده ایمان است.»^۶ (اکبری، 1390)

دروغ ضعف شخصیت و عقده و حقارت می آورد

افرادی که گرفتار این ضعف ها هستند، برای پوشاندن ضعف خود متوسل به دروغ می شوند. حضرت رسول اکرم(ص) می فرماید: «کسی دروغ نمی گوید مگر به خاطر بی ارزش بودن خودش در نزد خویش.»^۷

دروغ اضطراب و هراس می آورد

در واقع فردی که دروغ می گوید در اضطراب و هراس است که مبدا حرف امروزش با فردا تضاد داشته باشد. پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «راستی آرامش است ولی دروغ هراس است»^۸

دروغگو حافظه ندارد و دروغ فراموشی می آورد

1 - بحار الانوار، ج 69، ص 260

2 - محدث نوری: مستدرک الوسائل، ج 9، ص 84، ح 10280.

3 - وسائل الشیعه، ج 7، ص 119، ح 13

4 - علاءالدین متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج 3، ص 248

5 - بحار الانوار، جلد 66، صفحه 386.

6 - کافی، باب الایمان و الکفر، ص 254

7 - محدث نوری، 1407 ق ج 9، صص 84-85

8 - کشف الغمه ج 1 ص 535



امام جعفر صادق(ع) در این زمینه حدیثی فرموده اند که می فرمایند: «از مجازات دروغگو آن است که خداوند فراموشی را بر او مسلط می گرداند.»¹

دروغگو فاسق است

در حقیقت کسی که دروغ می گوید فاسق است به این معنی که از مسیر اطاعت خداوند خارج شده و به سوی معصیت می رود چنانکه خداوند در سوره بقره آیه 197 می فرماید: «جماع و فسوق (دروغ گفتن) و جدال کردن در موقع وظیفه حج باید ترک شود.» که در این آیه شریفه از دروغ به فسوق تعبیر شده است.

و نیز در سوره حجرات آیه 6 «ان جائکم فاسق بنبأ فتبینوا» که در اینجا نیز دروغگو به فاسق تعبیر شده است که اگر فاسقی به شما خبری داد پیش از تحقیق و بررسی نپذیرید که در این آیه از ولید بن عقبه دروغگو تعبیر به فاسق شده است، که در مورد شأن نزول این آیه آمده است که حضرت رسول اکرم(ص) ولید بن عقبه را به سوی قبیله بنی المصطلق روانه می کند تا زکات را از آن قبیله جمع آوری کند اما ولید گمان بد می کند و به نزد ایشان می آید و می گوید که اینان مرتد شده و زکات نمی دهند. بنابراین از دو آیه بالا معلوم می گردد که دروغ فسق و دروغگو فاسق است.

دروغگو ملعون است

دروغگو مورد خشم و غضب خداوند است در سوره نور آیه 7 می فرماید: «ان لعنت الله علیه ان کان من الکاذبین» یعنی لعن خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. (معتمد لنگرودی، 1389: 10)

دروغ مانع خودشناسی می شود

چون افراد دروغگو سعی می کنند خود را غیر از آنچه که هستند نشان دهند تکرار دروغگویی شخصیت کاذبی را برای او تثبیت می کند. همین شخصیت کاذب فرد را در خودشناسی اش دچار مشکل می کند و نمی گذارد فرد آن طور که واقعا هست خود را بشناسد و نقاط ضعف و قوت خود را ارزیابی کند.

دروغ موجب دردسر می شود

دروغگو خود و دیگران را به دردسر می اندازد و ایجاد مشکل می کند. لذا از شر آن نه خود در امان است، نه دیگران. (اکبری، 1390)

زبان های اجتماعی دروغ

سخنی از امام علی (ع):

«راست بگویند چون خدا با راست گویان است. از دروغ دوری کنید، چون دور کننده ایمان است. راست گو تا سر منزل نجات و سروری فاصله ای ندارد. دروغ گو لب پرتگاه خواری و نابودی جای دارد.»²

دروغ برای دروغ گو، زبان های اجتماعی دارد. علی(ع) فرمود: دروغ گو بر لب پرتگاه خواری و هلاکت قرار دارد، زیرا دروغ ایمان را از قلب دروغ گو بیرون می کند و خودش به جای آن بر زبانش می نشیند.

کسی که ایمان داشته باشد، نزد دوست و دشمن محترم است، مورد اعتماد همه خردمندان است، کسی که ایمان داشته باشد، خیانت نمی کند، دزدی نمی کند، حق مردم را می دهد و وجودش برای جامعه سودمند است، خدا هم در این جهان و در جهان دیگر پادشاه عالی به وی خواهد داد.

دروغ که ایمان را از دل بیرون کرد، دروغ گو، خیانت می کند، دزدی می کند، حق مردم را نمی دهد، وجودش برای جامعه زیان دارد و نزد دوست و دشمن احترام ندارد. هیچ عاقلی به او اعتماد نمی کند و نزد همه منفور و خوار است و در سرآشویی نابودی قرار خواهد گرفت. کسی که در لب پرتگاه جای داشته باشد، هر دم خطر افتادن در پرتگاه را دارد.

رسوایی

یکی از زبان های اجتماعی دروغ، رسوایی است. رسواشدن نزد یک نفر یا نزد چند نفر یا نزد جامعه. دروغ، پنهان نخواهد ماند و روزی برملا خواهد شد. دروغ گو هر چند زیرک باشد، اطراف و جوانب دروغ را بسنجد، محال است که دروغش کشف نشود. کشف دروغ، رسوایی را در پی دارد.

بی آبرویی

¹ - وسائل الشیعه، کتاب حج، ص 573، باب 138، ج 7

² - بحار الانوار، ج 69، ص 260



دیگر از زبان‌های اجتماعی دروغ، بی‌آبرویی است دروغ‌های چندی که از دروغ گو، کشف شد، رسوایی او که مکرر گردید، بی‌آبرویی نصیبش می‌شود. بی‌آبرویی دروغ گو، بی‌حیثیت و بی‌ارج شدن اوست.

رسول خدا (ص) فرمود: «کم‌آبروترین مردم، کسی است که دروغ می‌گوید»¹

دروغ گو، از هر طبقه‌ای باشد از همه افراد راستگوی آن طبقه آبرویش کمتر و بی‌حیثیت‌تر خواهد بود. پدران و مادران بایستی به فرزندان خود دروغ نگویند که همیشه احترامشان نزد فرزند محفوظ بماند و کودک با نظر حقارت به پدر و مادر ننگرد.

بی‌ارزشی سخن

از زبان‌های اجتماعی دروغ، بی‌ارزش شدن سخنان دروغ گو نزد مردم است. اگر بنا شد برای هر موجودی میزانی برای قیمت آن باشد، یکی از میزان‌هایی که برای قیمت انسان می‌توان در نظر گرفت، ارزشی است که مردم برای سخنش قائل هستند. هر چه مقدار ارزش سخن بیش‌تر باشد، قیمت‌گزینه آن بیش‌تر خواهد بود و هر چه مقدار ارزش سخنش کم‌تر باشد، گزینه بی‌بهارتر خواهد بود. دروغ گو، اگر بالاترین ارزش‌ها را برای سخنش به دست آورده باشد، همین که به دروغ‌گویی پرداخت و مردم بدان صفتش شناختند، ارزش سخنش نابود می‌شود و با جانوران در یک ردیف قرار خواهد گرفت.

امام جعفر صادق (ع) از حضرت عیسی (ع) نقل می‌کند که عیسی (ع) فرمود: «کسی که دروغش بسیار شود، نورش می‌رود.»² شاید مقصود از نور، همان ارزشی است که سخنش نزد مردم دارد.

سلب اعتماد

از زبان‌های اجتماعی دروغ، سلب اعتمادی است که از ناحیه مردم، نصیب دروغ گو می‌شود. اعتماد مردم، بهترین راه موفقیت است. بیش‌تر موانعی که در راه وصول به هدف‌ها پیدا می‌شود، به وسیله جلب اعتماد مردم، برطرف می‌گردد.

دروغ گو، خود را از این نعمت پرقیمت، محروم می‌سازد و با پای خویش به سوی سیاه بختی می‌تازد. کسی که مورد بی‌اعتمادی قرار گرفت، بایستی از جامعه کناره‌گیری کند و در گوشه‌ای به انتظار مرگ بنشیند، زیرا دیگر نمی‌تواند در آن جامعه موفقیتی به دست آورد. حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «کسی که خود را مسلمان می‌داند، شایسته است که از سر و کار داشتن با دروغ بپرهیزد، زیرا دروغ، کارش را به جایی می‌رساند که سخن راستش را کسی باور نکند»³

بدبینی مردم

دروغ گو، مورد سوءظن و بدبینی مردم قرار می‌گیرد، بلکه گاه کارش از این هم بالاتر می‌رود و بر اثر دروغ، مورد تنفر قرار خواهد گرفت. همان طور که با صفا با مردم رفتار کردن، جلب محبت می‌کند، با مردم بی‌صفایی کردن نیز جلب سوءظن و بدبینی و تنفر می‌کند. دروغ گو، بهترین مصداق برای بی‌صفایی است.

ذلت و خواری

دیگر از زبان‌های اجتماعی دروغ، ذلت و خواری است. دروغ، دروغ گو را ذلیل می‌کند و خواری می‌سازد. درست در نقطه مقابل آن چه دروغ گو می‌پندارد، دروغ، ثمر می‌دهد.

سخریه و استهزا

دیگر از زبان‌های اجتماعی دروغ، سخریه و استهزا است که نصیب دروغ گو می‌شود. دروغ گو، همان که به دروغ‌گویی شهره شد، مورد استهزای مردم قرار می‌گیرد، خواه در حضور و خواه در غیاب، و پرسش‌های استهزایی از او می‌شود و می‌گویند: اگر حقیقت مطلب را بخواهید، از او بپرسید. لغاتی جعل می‌کنند و معانی آن را از دروغ گو می‌پرسند. نام کتابی را جعل می‌کنند و خصوصیات کتاب و مؤلف را از او می‌پرسند. دانشمندانی جعل می‌کنند و شرح حالشان را از او می‌خواهند. دروغ‌گوی جعل در موقع سخن گفتن با خنده‌های تمسخرآمیز روبه‌رو می‌شود و اگر این چیزها را بفهمد باید از شرم به زیر زمین برود.

روسپاهی

پیغمبر اسلام می‌فرمود: «از دروغ بپرهیز که آدم را روسپاه می‌کند»⁴ روسپاهی مورد سخط خدای بودن است، نزد خلق منفور شدن است، رسوایی است، بی‌آبرویی است، ذلت و خواری است. چقدر بدبخت است روسفیدی که خود را به دست خود روسپاه کند. دروغ گو،

1 - مستدرک الوسائل، ج 9، ص 295، ح 10

2 - الکافی ج 2، ص 341، باب الکذب، ح 13

3 - الکافی، ج 2، ص 341، باب الکذب ح 14

4 - مستدرک الوسائل، ج 9، ح 10298



نشاندار است، نشاندار ننگ است، روسپاهی است که سخن راستش را هم کسی باور نمی‌کند. یکی از بدبختی‌های دروغ گو، آن است که کم‌تر مورد عاطفه قرار می‌گیرد، خدمت هایش ارزشی ندارد و از طرف دیگران قدردانی نمی‌شود، زیرا دروغ گویی هایش قیمت خدمات‌هایش را می‌برد و دستش را بی‌نمک می‌کند، آیا روسپاهی جز این می‌باشد. (صدر، 1378)

زبان‌های اقتصادی دروغ

دروغ فقر می‌آورد

زمانی که دروغ گفتن، رفتاری ثابت و عادی شود، فقر و تنگدستی را به بار می‌آورد و برکت را از زندگی می‌برد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «عادت به دروغ فقر می‌آورد». «درباره سخن مولا، این پرسش پیش می‌آید: دروغ چگونه فقر می‌آورد؟ مگر دروغ از امور اقتصادی است تا زبان مالی داشته باشد؟

راستی و درستی ثروت را می‌افزاید، چون برای دارنده آن ایجاد اعتبار می‌کند، دروغ گویی سرمایه را راکد نگاه می‌دارد، زیرا نه تنها جلوگیری از پیدایش اعتبار می‌کند، بلکه اعتبار موجود را نیز می‌برد و کسی به وعده با او معامله نمی‌کند، چون اعتبار ندارد. از کجا به وعده دروغ گو می‌توان اعتماد کرد؟ پس دروغ گو، سودی نخواهد برد و بایستی برای تأمین زندگی از مایه بخورد، کم کم مایه تمام می‌شود به جای آن، فقر می‌نشیند.

تنهایی

از زبان‌های اقتصادی دروغ، تنهایی دروغ گو و بی‌کسی اوست. عادت به دروغ، دروغ گو را تنها قرار می‌دهد، یاری و غمخواری ندارد و می‌گویند هر چه بدبختی به او رسیده، حقتش بوده است و کسی با او همراهی نمی‌کند و به کمکش نمی‌آید. تنها بودن و بی‌کس بودن و محروم از یاری دیگران شدن، دروغگو را در شدت می‌اندازد و در تنگنا می‌گذارد، پس در خطر فقر قرار می‌گیرد. بشر به تنهایی نمی‌تواند زیست کند و به کمک و همکاری افرادی مانند خود احتیاج دارد.

دروغ روزی را می‌برد

حضرت امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «مردی که دروغ می‌گوید از نماز شب محروم خواهد شد، وقتی که از نماز شب محروم شود از روزی محروم خواهد شد». «گناهانی هستند که اثر معنوی دارند. گناهانی هستند که اثر وضعی دارند گناه کار کم‌تر می‌تواند اثر وضعی گناه را جبران کند. گناه کاری که چشم کسی را کور کرده، اگر میلیون‌ها ثروت هم صرف کند نخواهد توانست، چشم او را بینا کند. زبانی که از آن، همیشه سخن راست بیرون آید، پاکیزه است و آلودگی ندارد. زبانی که از آن، پیوسته دروغ بیرون آید، چرکین و آلوده می‌باشد، چنین زبانی شایستگی آن را ندارد که ذکر نماز شب بگوید و توفیق خواندن نماز شب از او سلب خواهد شد. عالم معنا عالمی است که اهل آن عالم، پاکیزگی زبان راست گو و گندیدگی زبان دروغ گو را می‌بینند و شاید آن نفرتی که همه کس از شنیدن دروغ دارد، همان احساس گند دروغ می‌باشد. (صدر، 1378)

زبان‌های روانی دروغ

ناراحتی درونی

روان نیز از شر دروغ در امان نیست. روان دروغ گو، از زبانش زبان‌ها می‌بیند. راستی حقیقتی است که وجود دارد. صورت ذهنی آن به طور طبیعی در مغز راست گو، موجود است و نیازی به محافظت ندارد ولی برای دروغ حقیقتی نیست که عکسی از آن به طور طبیعی در مغز افتاده باشد. دروغ چیزی است که ساخته و پرداخته خود دروغ گوست و قطع نظر از این هیچ گونه وجودی به طور طبیعی، نه در خارج و نه در مغز برای واقع دروغ نیست، چون واقع ندارد. دروغ گو بایستی، نیرو به کار ببرد و بر مغز خود فشار بیاورد که مصنوع خیالی خود را که همان تصور معنای دروغ باشد، فراموش نکند تا مبدا وقت دیگر آن را طور دیگر ذکر کند و دروغش آشکار گردد. دروغ گویی که می‌خواهد دروغش کشف نشود، پیوسته در ناراحتی است، مبدا سخن کنونی اش با سخن گذشته‌اش تناقض داشته باشد. دروغ گو، همیشه این بار سنگین را بایستی بر مغز داشته باشد.

فراموشی

فراموشی نیز یکی از بیماری‌های روانی است که دروغ گو بدان گرفتار می‌شود.

1- سفینه‌البحار، ج 7، ص 455، به نقل از خصال شیخ صدوق
2- سفینه‌البحار، ج 7، ص 454 - 455، به نقل از علل الشرایع



امام ششم (ع) می‌فرماید: «از چیزهایی که خدا به زبان دروغ گویان کمک کرده فراموشی است.»¹ در مثل است که دروغ گو، کم حافظه می‌شود؛ دروغی که گفته به یادش نمی‌ماند و فراموشش می‌شود و هنگامی که بار دگر خواست از آن سخن بگوید، جور دگر خواهد گفت، در نتیجه دروغش کشف می‌شود.

شاید یکی از علل فراموشی دروغ گو، همانی است که به آن اشاره کردیم که دروغ، وجود واقعی در خارج و در مغز ندارد؛ واقعیت دروغ همان جعل می‌باشد.

کثرت دروغ و پشت سر هم دروغ گفتن هم فراموشی می‌آورد، زیرا دروغ‌های جدید، آثار دروغ‌های قدیم را از مغز محو می‌کند. چیز دیگری که موجب فراموشی دروغ می‌شود، آن است که مطلبی در حفظ می‌ماند که مورد اهتمام شخص باشد. کسی که کارش دروغ گویی گردید، چندان به دروغ خود اهتمامی نمی‌دهد. دروغ برای او امری است عادی، هر موقع که بخواهد باز هم دروغ می‌گوید و دروغ‌های او در حد معینی متوقف نمی‌شود و دروغ برای دروغ گوی حرفه‌ای نامتناهی عددی است، در نتیجه کم‌تر در خاطرش می‌ماند و فراموش می‌شود.

نومیدی

وقتی که دروغی از دروغ گو، کشف گردید، ضربتی بر مغز او فرود می‌آید، زیرا منظوری که از دروغ گفتن داشته، بر ضد آن نتیجه گرفته است، در این موقع اگر دروغ گوی حرفه‌ای نشده باشد، یکی از دو حال نصیبش می‌گردد: الف) روحیه‌اش متزلزل شده و اتخاذ تصمیم برای او دشوار می‌شود و از موفقیت خود نومید می‌گردد، زیرا تنها راهی که می‌پنداشته به مقصدش می‌رساند، دروغ بوده، آن هم بسته شده است. او اگر شایستگی داشت که از راه دیگر به مقصد برسد نیازی به دروغ گفتن نداشت، او خواسته بود بدین وسیله جبران نالیافتی خود را کرده باشد و از این راه به امید رسیده باشد؛ راه شایستگی که بر او مسدود بود، راه دروغ هم که سد گردید، دیگر به چه وسیله‌ای به منظور خود برسد؟ ب) نومیدی بر او مسلط خواهد شد و کسی که نومیدی بر او حکومت کند، سرانجامش معلوم نیست.

پرده‌داری و بی‌شرمی

اگر کشف دروغ، روحیه دروغ گو را متزلزل نکند و او همچنان به دروغ گویی ادامه دهد، کشف‌های پی در پی، شرم را از او می‌برد و وی را دروغ گوی حرفه‌ای می‌سازد و دیگر، از آن که عیبش آشکار شود، ابایی ندارد. چنین کسی خطرناک‌ترین روز را در جلو خواهد داشت و دنیای تیره و تاری در انتظارش خواهد بود و در آتش دنیا و آخرت خواهد سوخت، چه خوش فرمود، پیشوای بزرگ ما: «از دروغ بپرهیزید، سرانجام دروغ، پرده‌داری است و سرانجام پرده‌داری آتش دوزخ است.»²

دروغ، دروغ می‌زاید

هر دروغی، دروغ‌هایی را در پی دارد. دروغ گو، مجبور است برای حفظ دروغ خود، باز هم دروغ بگوید یا بایستی همان دروغ نخستین را دوباره بگوید، بلکه در دفعات بعد، تأکیدش را بیش‌تر قرار دهد یا بایستی دروغ دیگری بسازد که جلوگیری از کشف دروغ نخستینش کند. در هر دو صورت، بر اثر یک دروغ، دروغ‌هایی می‌گوید و این ماری که خوش خط و خالش پنداشته، مارهایی دیگر زاییده است که همگی او را می‌گزند و نیش می‌زنند گاه می‌شود که برای حفظ دروغ او، دوستانش، خویشانش، کارمندانش، به دروغ گویی می‌افتند.

سوءظن

سوءظن به مردم بر اثر دو چیز در دروغ گو، مسکن می‌گزیند: یکی آن که چون خودش بر خلاف حقیقت سخن می‌گوید، درباره دیگران هم، همین نظر را پیدا می‌کند

دومین چیزی که ممکن است موجب سوءظن دروغ گو به دیگران گردد، عکس‌العمل است. او وقتی می‌بیند، دیگران نسبت به او، خوش بین نیستند و سلب اعتماد کرده‌اند، در او هم چنین حالتی پیدا می‌شود تا به آنان بدبین شود و از آن‌ها سلب اعتماد کند. تعصب و خودخواهی نیز موجب می‌شود که در برابر این دشنام روانی مردم، او هم به آن‌ها نیز همان دشنام روانی را بدهد و به آن‌ها با دیده سوءظن بنگرد.

چاپلوسی

دروغ گو برای آن که سخنش پذیرفته گردد، به هر وسیله‌ای متوسل می‌شود، برای صحت سخن تأکیدها می‌آورد و سوگندها می‌خورد و تملق شنونده را می‌گوید تا مبادا تکذیبش کند و آبرویش را در پیش دگران ببرد. دروغ و چاپلوسی ارتباط مستقیمی دارند، همان طور که گاهی دروغ، چاپلوسی می‌آورد، گاه چاپلوسی دروغ می‌آورد. (صدر، ۱۳۷۸)

¹ - الکافی، ج 2، ص 341، باب الکذب، ح 15

² - مستدرک، ج 9، ح 10290



تغییر فطرت

روان آدمی به حسب فطرت به راستی و درستی سرشته شده است. اگر انسانی به همان وضع روانی اصلی باقی مانده باشد و عوامل خارجی، فطرتش را منقلب نساخته باشد، به خوبی‌ها آراسته و از بدی‌ها پیراسته خواهد بود. ولی از آن نظر که این سرمایه‌های فطری اقتضایی است. عوامل میراثی و تأثیرات محیط نه تنها می‌تواند از بروز فضایل فطری جلوگیری کند، بلکه قادر است که فضایل را از روان بگیرد و به جای آن‌ها رذایل بپردازد.

پیامبران خدا برای کمک به فطرت در برابر این عوامل خارجی فرستاده شده‌اند. دروغ بر خلاف فطرت انسانیت است. دروغ گویی فطرت اصلی را تغییر می‌دهد و آن را از یک رنگی به دورنگی و از درست کاری به نادرستی می‌کشانند. دروغ نه تنها در مغز گوینده‌اش اثر بد می‌گذارد، بلکه دروغ پدر و مادر، در مغز فرزند نیز تأثیر می‌کند و فطرت پاکیزه او را در خطر قرار می‌دهد و بر اثر تکرار، خطر قطعی می‌شود و نهالی که بایستی به استقامت بروید به کژی می‌گراید. معلم دروغ گو، در انحراف فطرت شاگرد بی اثر نخواهد بود، او نه تنها مسیر فکری شاگرد را می‌تواند تغییر دهد، بلکه مسیر فطری او را نیز دگرگون می‌سازد. (صدر، ۱۳۷۸)

درمان دروغ

بهترین راهی که انسان را از دروغ گفتن باز می‌دارد این است که توجه پیدا کند که دروغ گفتن مذموم‌ترین صفات است و بواسطه دروغ مورد قهر و غضب الهی واقع، و در آخرت به آتش دوزخ گرفتار خواهد شد و در دنیا دیر یا زود دروغ او فاش و حقیقت امر آشکار می‌گردد و او بین مردم رسوا و مطرود و منزوی خواهد شد و دیگر کسی برای سخن او ارزش و اعتباری قائل نیست و در واقع مرده‌ای در میان زندگان است.

امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «دروغگو با مرده برابر است؛ زیرا برتری انسان زنده بر مرده این است که مردم به او اعتماد می‌کنند و برای سخن او ارزش قائل هستند اما هنگامی که به سخن او اعتمادی نباشد زندگی او پوچ و باطل است.»^۱ از طرفی انسان با شناخت ریشه‌های دروغ و قطع آن می‌تواند خود را از آلودگی به دروغ و ابتلاء به این آفت خطرناک مصون دارد. (امین، ص 83) قبل از هر چیز باید انسان‌های اهل دروغ را به عواقب دردناک و آثار سوء معنوی و مادی و فردی و اجتماعی این رذیله زشت متوجه ساخت و با تدبیر و تفکر در آیات قرآن مجید و سخنان پیشوایان بزرگ دین (ع) می‌توان فهمید که منافع فرضی و خیالی دروغ هرگز نمی‌تواند با آن همه مفساد برابری نماید. (خان بیگی، 1390)

پرورش شخصیت

یکی از مؤثرترین راه‌های درمان دروغ، پرورش شخصیت است؛ زیرا چنان که گفته شد یکی از انگیزه‌های روانی روی آوردن به دروغ، احساس خودکم بینی و کمبود شخصیت است. افرادی که به این مشکل دچار هستند، دروغ گفتن را راه کاری برای جبران این کمبود می‌دانند. اگر افراد دروغگو استعداد‌های درونی خود را بشناسند و بدانند که با پرورش آنها می‌توانند ارزش و مقام خود را بالا ببرند، دیگر نیازی به دروغ نمی‌بینند.

بیان جایگاه والای راستگویان

باید افراد دروغگو را به این باور رساند که ارزش اجتماعی کسی که با راستگویی توانسته است اعتماد اطرافیانش را به دست آورد، بالاترین ارزش هاست و چنین کسی سرمایه معنوی بزرگی از احترام اجتماعی در اختیار دارد که هیچ سرمایه مادی نمی‌تواند با آن برابری کند. انسان راستگو نه تنها میان هم‌نوعان خود محترم است، در پیشگاه خداوند نیز مقام بسیار بالایی دارد، چنان که در قرآن مجید، راستگویان هم‌ردیف پیامبران و شهیدان معرفی شده‌اند.

«و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند (در روز رستاخیز) هم‌نشین کسانی خواهند بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان و آنها هم‌نشینان خوبی هستند.»^۲

از بین بردن عوامل زمینه‌ساز در دروغگویی

1 - تیمی آمری، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1413، الطبعة الاولى، ج 1، ح 2113.

2 - نساء/ 69



باید ریشه‌های این انحراف اخلاقی مانند طمع، ترس، خودخواهی، حب و بغض‌های بی‌اندازه و مانند آن را خشکاند تا این صفت خطرناک زمینه مناسبی برای رشد در وجود انسان پیدا نکند.

ایجاد آرامش در محیط زندگی

تقویت اعتماد به نفس (ارمغان، 1387)

هم‌نشینی با افراد راستگو

باید محیط‌های تربیتی و معاشرتی مبتلایان را از وجود افراد دروغ گو پاک کرد تا تدریجاً طبق اصل تأثیر پذیری، محیط وجود آن‌ها از این رذیله (دروغ گویی) پاک گردد.

پرهیز از معاشرت با دروغگویان

شیوه‌ی دیگر در درمان عملی دروغ آن است که از معاشرت با دوستان دروغگو بپرهیزد؛ چرا که بسیاری از زشتیها در اثر رفت و آمد و هم‌نشینی با انسانهای ناصالح پدید می‌آید و به عکس، بسیاری از زیبایی‌های اخلاقی هم در هم‌نشینی با خوبان و صالحان بنا به آیه (کونوا مع الصادقین)¹ پدیدار می‌شود.

تقویت ایمان

کوشش برای تقویت پایه‌های ایمان به خدا در دل مبتلایان به دروغ و توجه دادن آن‌ها به این حقیقت که قدرت خدا مافوق تمام قدرت‌ها است و قادر بر حل تمام مشکلاتی است که افراد ضعیف‌الایمان به خاطر آن به دروغ پناه می‌برند. «راست‌گویان» تکیه‌گاهشان در برابر حوادث گوناگون، خدا است و افراد دروغگو در این موارد تنها هستند.

تنبیه

راه دیگر، قرار دادن تنبیه شرعی در صورت دروغ گفتن است. برای مثال: می‌توانید با هر بار دروغ گفتن مبلغی را به عنوان صدقه کنار بگذارید و یا فردای آن روز را روزه بگیرید. (خان بیگی، 1390)

این گفتار را با سخنی از ملامحسن فیض به پایان می‌رسانیم: پس زبانت را از گفتن دروغ حفظ نما چه به شوخی و چه به جدی و مواظب باش که نفست را هر چند به شوخی به دروغ عادت ندهی زیرا این سبب می‌شود که کم‌کم به دروغ‌گویی عادت کنی و دروغ از امهات گناهان و از معاصی کبیره است. از این گذشته اگر به دروغ عادت نمودی، اعتماد مردم نسبت به تو کم می‌شود و از چشم آنها ساقط می‌شوی و اگر خواستی بدانی که دروغ چقدر زشت است، به دروغ غیر خود بنگر و ببین که چگونه خود از شخص دروغگو متنفر هستی و دروغگو را حقیر می‌شماری، و در سایر عیوب نفسانی به همین شیوه عمل نما. زیرا انسان صفت زشت خود را نمی‌بیند بلکه اگر به قبح صفتی پی ببری آن را در غیر خود ببینی. پس آنچه را که از غیر خود زشت و ناپسند دیدی بدان که دیگران هم آن را از تو زشت خواهند دید و لذا آن را برای خود می‌پسند. (رجب زاده، 1366)

عدم اتهام دروغگو

چنانچه متوجه شویم دروغ‌گویی افراد از روی قصد و اراده‌ی خاصی نیست نباید وی را متهم به دروغ‌گویی کرد و این خصلت زشت را در وی به ثبوت رساند. بلکه باید غیر مستقیم از خطرات دروغ‌گویی و خوبی‌های راست‌گویی صحبت به میان آورد. در این راستا از ضرب‌المثل‌ها و یا الگوهای افراد متشخص می‌توان استفاده کرد. (اکبری، 1390)

زمینه ایجاد دروغ فراهم نشود.

با افراد هرگونه که عمل کنیم آنها نیز همانگونه با ما رفتار خواهند کرد. اگر آنها با آزادی و بدون تحکم و دستور دادن شدید رفتار شود و مجبور به اطاعت کورکورانه نباشند و رفتار و سلوک ما با آنها دوستانه باشد آنها نیازی به دروغ گفتن ندارند و به فکرشان هم خطور نمی‌کند و به همان ترتیب و صادقانه با ما رفتار خواهند کرد. (توکلی و یاسایی، 1370)

حاجی امیری در مقاله خود در مورد درمان دروغ می‌گوید که بستن پیمان‌های کوتاه مدت با خود، که برای مدت زمان کوتاهی مراقب زبانتان باشیم و دروغ نگوییم و سپس با توسعه و تمدید این مدت‌ها و پیمان‌ها خود را به وضعیتی برسانیم، که دروغ نگفتن ملکه نفسانی ما گردد.

با تدبیر و تفکر در آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان بزرگ دین و تجزیه و تحلیل گذشته و گفتار بزرگان به این نکته برسیم که، دروغ در پاره‌ای از موارد هر چند نفع شخصی و آنی دارد، ولی زود گذر است. (حاجی امیری، 1395)

نتیجه



دروغ از بدترین معایب، زشت ترین گناهان و منشأ بسیاری از مفساد است و بالطبع از کارهای زشت و ناپسند و عادت به آن از رذایل اخلاقی و از گناهان کبیره است. در پناه دروغ، راه برای همه ی زشتی ها و پلیدی ها به آسانی باز می شود و حریم قلب آلوده به همه ی گناهان می گردد. علت اصلی دروغ، عقده حقارت و خود کم بینی انسان دروغگو است. گاه سرچشمه دروغ ترس از فقر، پراکنده شدن مردم از دور او، از دست دادن موقعیت و مقام و زمانی نیز به خاطر علاقه شدید به مال و جاه و مقام و ... است که شخص از این وسیله نامشروع برای تامین مقصود خود کمک می گیرد.

دروغگویی مشکلات فراوانی را برای گوینده آن و دیگران ایجاد می کند و آسیب هایی را به آنها می زند. دروغگویی عامل اصلی فسادهای دیگر نیز می تواند باشد از جمله اینکه دروغ از آفات زبان و خراب کننده ایمان است. در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی محروم و در میان مردم بی اعتبار می کند. اعتماد عمومی را سلب و جامعه را به بیماری نفاق دچار می سازد.

ابزار بسیاری از گناهان دروغ است. افراد دروغگو بدبینی و سوء ظن خاصی نسبت به همه کس و همه چیز دارند. دروغ ریشه در بی ایمانی و نفاق و دورویی و ده ها عامل دیگر دارد که با شناسایی دقیق این علت ها می توانیم برای درمان و معالجه آن، قبل از آن که روح و جانمان عادت به این خصلت شیطانی کند، از دروغ دوری کنیم و از آثار و پیامدهای شوم آن که فرد و جامعه را در بر می گیرد در امان باشیم، آثار و پیامدهای ناگوار و تأسف باری که می تواند یک جامعه را به تباهی بکشاند و مهمترین سرمایه های یک اجتماع سالم و افراد یک جامعه را که اعتماد و اطمینان و امنیت و آرامش است را از بین ببرد. در این میان ما می توانیم برای علاج دروغگویی از راه های علمی و عملی که علمای اخلاق و روان شناسان بدان اشاره نموده اند بهره بگیریم و از رهنمودهای گهربار قرآن کریم و ائمه معصومین (ع) که در این زمینه بسیار مفید می باشد، کمک و یاری بگیریم.

یکی از راههای درمان دروغ این می باشد که قبل از هر چیز باید مبتلایان را به عواقب دردناک و آثار سوء معنوی و مادی آن متوجه ساخت و نیز باید فرد را متوجه ساخت که اگر چه دروغ در پاره ای از موارد نفع شخصی دارد ولی نفعش بسیار آنی و زودگذر است و یکی دیگر از موثرترین راههای درمان دروغ پرورش شخصیت در افراد و کوشش برای تقویت پایه های ایمان در دل آنان است و باید محیط های تربیتی و معاشرتی مبتلایان را از وجود افراد دروغگو پاک کرد تا تدریجاً طبق اصل تاثیرپذیری محیط وجود آنها از این رذیله پاک گردد. در سراسر جهان هستی قانون صداقت و صراحت و حقیقت جاری است. هر چند به حسب ظاهر در عالم هستی تضادها و تعارض هایی دیده می شود ولی دروغ و خیانت در طبیعت اصلاً وجود ندارد. خلاصه کلام آنکه بنای خلقت و طبیعت بر حقیقت و راستی استوار است، لکن این انسان ظالم و ستمکار است که حق را با باطل به هم آمیخته و آن را وارونه جلوه می دهد، زیرا باطل محض را نمی شود به مردم ارائه داد که طبع حقیقت جوی مردم خود به خود آن را دفع می کند.

منابع:

1. قران کریم
2. اترک، حسین؛ (1392). "معنای دروغ مصلحت آمیز"، نشریه پژوهش های فلسفی دانشگاه تبریز، بهار و تابستان، شماره ۱۲
3. اترک، حسین؛ (1388) "چیستی دروغ"، آینه معرفت، شماره ۲۰
4. ارمغان، بهار 1387، شماره 4 - فصل سوم: دروغگویی؛ آسیب ها، ریشه ها و درمان، برگرفته از سایت <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/5764/6522/75081>:
5. اسلامی، سید حسن؛ (1382) دروغ مصلحت آمیز، قم: بوستان کتاب قم.
6. اکبری، ابوالقاسم؛ (1390). مشکلات نوجوانی و جوانی، تهران: رشد و توسعه
7. الطریحی، فخرالدین؛ (1408ق) مجمع البحرین، ج 4، چ 2، مکتب نشر الثقافة الاسلامیة،
8. انوری، حسن؛ (1381). فرهنگ بزرگ سخن، جلد چهارم، تهران: انتشارات سخن.
9. امین، محمد؛ آفات زبان، تهران: افست کیا.
10. تفتازانی، سعدالدین؛ (1377). شرح المختصر، قم: دارالحکمة، بی تا.
11. توکلی، نیره. یاسایی، فرزانه؛ (1370). رفتار با کودکان خردسال. انتشارات تندر.
12. حاجی امیری، مصطفی؛ دروغ آفتی برای فرد و جامعه، گرفته شده در تاریخ 95/1/16 از وبلاگ حاجی امیری:
13. حر عاملی ش (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعه، جلد ۱۲، قم: موسسه آل البیت؛ <http://hajamiri110.persianblog.ir/page/10>



14. خان بیگی، حمزه؛ (1390). "سیری برآموزه های قرآن و سنت بر کذب و دروغ"؛ شبکه آفتاب سایت
http://www.aftabir.com/articles/user_articles.php?u=hamdd.
15. دهخدا، علی اکبر؛ (1361). لغت نامه دهخدا، تنظیم کننده محمد دبیر سیاقی و محمد استعلامی، جلد 23، تهران: دانشگاه تهران.
16. راغب اصفهانی، حسین؛ (۱۴۱۶ ق). مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت و دمشق: دارالسامیه و دارالقلم.
17. رجب زاده، رضا؛ (1366). راه نجات (ترجمه کتاب منهج النجاه ملا حسین فیض کاشانی)، چاپ سوم، تهران: پیام آزادی،
18. شریفیان، حسین؛ (1381). دروغ و دروغگویی از نگاه قرآن، روزنامه کیهان، یازدهم دیماه.
19. صدر، سید رضا؛ (1378). دروغ، تحقیق سیدباقر خسروشاهی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
20. صدوری افشار، غلام حسین، نسرین ونسترن حکمی؛ (1383). فرهنگ معاصر فارسی، چاپ چهارم، تهران: فرهنگ معاصر.
21. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن؛ (1415ق). مجمع البیان، جلد 4، بیروت: موسسه الاعلمی.
22. عمید حسن؛ (1360). فرهنگ فارسی عمید، چاپ سوم، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
23. فرقانی، شهلا؛ (۱۳۸۳). شناخت مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
24. قرشی، علی اکبر؛ (1361). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
25. کانت، ایمانوئل؛ (1380). مابعدالطبیعه اخلاق (بخش فلسفه فضیلت)، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: نقش و نگار.
26. مشکینی اردبیلی، علی اکبر؛ (1381). دروس فی الاخلاق، قم: انتشارات الهادی.
27. مکارم شیرازی، ناصر، (1378) زندگی در پرتو اخلاق، چاپ دوم، قم: نشر سرور.
28. معتمد لنگرودی، فرشته؛ (1389). دروغ و آثار دروغگویی. مجله بشارت، شماره 81، بهمن و اسفند ص 10-6.
29. معین، محمد؛ (1353). فرهنگ فارسی معین، چاپ دوم، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
30. موسی پورفرخانی، معصومه؛ (1391). دروغ در قرآن و سنت، علل و عوامل آن، آثار و پیامدهای آن، پایان نامه دانشگاه: حوزه علمیه خراسان واحد: مدرسه علمیه فاطمه الزهراء(س) - قوچان.
31. مومنی، محتشم. (1385). دروغ، آفت فرد و جامعه عوامل رواج دروغگویی کدامند؟ روزنامه کیهان، هفتم آبان شماره 18650.
32. نظری، علی محمد؛ (1388). آثار دروغگویی از نگاه امام حسن عسکری(ع)، روزنامه کیهان، سه شنبه چهارم اسفند، شماره 19589.
33. وجدانی، م؛ (1370) حدیث اخلاق از سخنان چهارده معصوم، چاپ پنجم، تهران: پیام آزادی.
34. یحیی بن عدی؛ (1371). تهذیب الاخلاق، چ 2، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

1- Mahon, James Edwin, "The Definition of lying and Deception" in Stanford Encyclopedia of Philosophy, First published Thu Feb 21, 2008. Available at: <http://plato.stanford.edu/entries/lying-deception>.

2- Slater, T., "Lying", in The Catholic Encyclopedia, New York: Robert Appleton Company.
<http://www.newadvent.org/cathen/09469a.htm>.(accessed on 2016)